

هم‌گرایی درونی در پرتو مدیریت پیمان‌محور شکاف‌های سیاسی - اجتماعی در سیره نبوی

ناصر جمال‌زاده*

حامد کیانی مجاهد** محمد حکیمی***

چکیده

شکاف‌ها و گسست‌های سیاسی-اجتماعی از دیرباز زمینه‌ساز بروز معضلات و بحران‌های اجتماعی در جوامع گوناگون بوده و همگرایی و انسجام اجتماعی آن جوامع را تهدید می‌کرده است. ازین رو، مدیریت مطلوب این شکاف‌ها از طریق اتخاذ راهبردهایی کارآمد، پیوسته محل مذاقه دست‌اندرکاران حکومتی بوده است. در این میان، مدیریت مبتنی بر انعقاد پیمان‌های طرفینی در ساحت اجتماع، در زمره مهم‌ترین راهبردهای مدیریت شکاف‌های اجتماعی قرار گرفته تا آنجا سیره حکومتی نبی مکرم اسلام (ص) نمودار کاربست این راهبرد است. مقاله حاضر تلاش خواهد کرد تا بدین سؤال پاسخ دهد که جایگاه پیمان‌محوری در مدیریت شکاف‌های درونی جامعه نبوی چیست و این نوع مدیریت چه تأثیری بر ایجاد همگرایی اجتماعی در جامعه اسلامی هم‌عصر پیامبر (ص) داشته است؟ در این راستا، ضمن ارائه مدلی مفهومی، نخست به بررسی شکاف‌های اجتماعی جامعه نبوی پرداخته و سپس به راهبرد سنجی تعاملی پیامبر اکرم (ص) در مدیریت شکاف‌های اجتماعی می‌پردازد. لازم به ذکر است که نگارندگان این مقاله جهت گردآوری اطلاعات از شیوه اسنادی- کتابخانه‌ای بهره برده و با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به سؤال فوق پاسخ خواهند گفت.

کلیدواژه‌ها: همگرایی، شکاف‌های اجتماعی، گسست درونی، حکومت نبوی، قراردادهای پیامبر.

*دانشیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع). (نویسنده مسؤل) jamalzadeh@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع). h.kiyan@isu.ac.ir

*** دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع). mimhk313@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

۱. مقدمه

جایگاه و شرایط تحقق همگرایی در بستر اجتماع از دیرباز محل مذاقه اساسی اندیشه‌ورزان و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی و دست‌اندرکاران عرصه تصمیم‌سازی حکومتی بوده تا آنجا که سامان و نظام جوامع پیوسته با لزوم همگرایی و وحدت اجتماعی آن جامعه قرین بوده است. دست یافتن به این روابط همگرایانه اجتماعی در ساحتی از مجرای شناخت بحران‌ها و شکاف‌های بالقوه و بالفعل درونی جامعه و اتخاذ راهبردی مناسب برای مدیریت این شکاف‌ها حاصل می‌شود. مدیریتی که حسب اقتضائات گاه به دنبال زایل کردن برخی شکاف‌ها و گاه در پی کمرنگ‌سازی برخی دیگر است. توجه به این مهم در منظومه سیاست‌ورزی نبی مکرم اسلام که خود الگوی مثالی حکومت‌داری اخلاق‌محور می‌باشند نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و رد پای اهتمام حضرت به بسترسازی و تحقق همگرایی درونی از طریق مدیریت شکاف‌های اجتماعی، در جای‌جای سیره حکومتی ایشان بر شبه‌جزیره عربستان و مناطق تابعه، مشاهده می‌شود.

شکاف‌های اجتماعی موجود در شبه‌جزیره عربستان تحت تأثیر شرایط نابسامان فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی شبه‌جزیره، شرایط دشواری را فراروی ترویج تعالیم اسلام و فرایند حکومت‌سازی نبوی ایجاد کرده و مدیریت گسست‌های درونی را با دشواری‌هایی مواجه ساخته بود. پیامبر اکرم (ص) با جامعه‌ای روبرو بود که به نقل امیرمومنان علی (ع) در خطبه ۲۶ نهج‌البلاغه، «در بدترین آیین و بدترین جاها به سر می‌بردند. در میان سنگلاخ‌ها و مارهای کرامت داشتند. آب‌های لجن را می‌آشامیدند و غذاهای خشن می‌خوردند و خون یکدیگر را می‌ریختند و از خویشاوندان دوری می‌کردند. بت‌ها در میان آن‌ها سرپا بودند و از گناهان اجتناب نمی‌کردند». آن حضرت می‌بایست نسخه و راهبرد وحدت‌آفرین و اصلاح‌کننده‌ی الهی خویش را متناسب با چنین مردمانی طراحی می‌نمود و جامعه اسلامی را که رسالت پیاده‌سازی تفکرات وحی‌محورانه در گسترده اجتماع را داشت بر دوش این مردمان استوار می‌فرمود.

یکی از مهم‌ترین راهبردهایی که پیامبر اکرم (ص) در مدیریت شکاف‌های اجتماعی جامعه نوپای اسلامی در مدینه و سپس در مکه در پیش گرفت، بهره‌گیری از سنت ریشه‌دار وفای به عهد و التزام به پیمان‌ها در میان اعراب شبه‌جزیره عربستان بود که پیامبر (ص) به کمک آن به پایه‌گذاری و تحکیم بنیان‌های جامعه اسلامی پرداخت و توانست نتیجه مطلوب حکومتی از آن کسب کند که اوراق تاریخی نمودار آن است.

عمید زنجانی در این باره می‌نویسد: «پابندی تعصب‌آمیز به پیمان‌ها و قراردادهای، عاملی مهم در زمینه سازی اتحاد بین قبایل عرب بود و پیامبر اسلام، از این طریق استفاده شایانی نمود و در میان قبایل عرب با عقد پیمان‌های مختلف، وحدت سیاسی ایجاد نمود» (عمید زنجانی، ۱۳۶۴: ۹۸).

راهبرد سنجی نبی مکرم (ص) در مدیریت شکاف‌های درونی، خود به‌مثابه الگویی کارآمد برای سامان بخشیدن به گسست‌های درونی جوامع اسلامی و حوزه ارتباطی منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود که خود لزوم تنقیح و تشریح این راهبردها به‌ویژه مدیریت پیمان‌محور نبوی را به دست می‌دهد. نظر به این مهم، مقاله حاضر، در پاسخ به این پرسش که: «جایگاه پیمان‌محوری در مدیریت شکاف‌های درونی جامعه نبوی چیست و این نوع مدیریت چه تأثیری بر ایجاد همگرایی اجتماعی در جامعه اسلامی هم‌عصر پیامبر (ص) داشته است؟»، از مجرای ارائه مدلی مفهومی، به تشریح شکاف‌های درونی جامعه مخاطب دعوت پیامبر اکرم در شبه‌جزیره عربستان پرداخته و سپس درخور اقتضای نگاشته، به تشریح قراردادهای و پیمان‌های پیامبر (ص) که در ساحتی با هدف زدودن و یا کمرنگ سازی شکاف‌های درونی منعقدشده‌اند، می‌پردازد. در واقع فرضیه‌ای که مقاله فرارو به دنبال اثبات آن است عبارت است از: «جامعه‌ی هم‌عصر پیامبر (ص) در شبه‌جزیره عربستان دارای شکاف‌های درونی متعددی بوده است که نبی مکرم (ص) در راستای مدیریت این شکاف‌ها، راهبردهایی را اتخاذ می‌کردند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها انعقاد پیمان‌های طرفینی بین افراد و واحدهای مختلف جامعه بوده است که بسیاری از قراردادهای نبوی را بر مبنای این مؤلفه می‌توان تحلیل کرد». لازم به ذکر است که نگارندگان، جهت گردآوری اطلاعات از شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای بهره برده و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به سؤال اصلی مقاله پاسخ خواهند گفت.

۲. پیشینه تحقیق

ایجاد همگرایی درونی از طریق مدیریت گسست‌ها و شکاف‌های اجتماعی، مقوله‌ای است که محل توجه جامعه‌شناسان و پژوهشگران حوزه علوم سیاسی بوده و در رابطه با گونه‌های این نوع مدیریت قلم‌فرسایی‌هایی در حوزه علوم سیاسی صورت

پذیرفته است. اما مدیریت تعامل محور این شکاف ها، عرصه ای است که کمتر بدان ورود شده است.

پیشینه شناسی بررسی مدیریت تعامل محور شکاف های اجتماعی در سیره پیامبر اکرم نشان می دهد که در موضوع گسست های اجتماعی جامعه نبوی و جایگاه همگرایی در سیره نبوی به تفکیک، آثاری به رشته تحریر در آمده است ولی نوشتاری که به صورت سازمان مند، هم به همگرایی درونی و هم به مقوله گسست های اجتماعی از ساحت مدیریت تعامل محور ورود کرده باشد به چشم نمی خورد. در رابطه با تشریح گسست های اجتماعی عصر نبوی، جعفر حق پناه در مقاله «گروه ها و گسست های اجتماعی در دولت نبوی» در مجموعه مقالاتی با نام «سیاست نبوی، مبانی، اصول و راهبردها» به ارائه صورت بندی کلی از این گسست ها پرداخته و دکتر اصغر افتخاری هم در کتاب «مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی» ارائه اجمالی از این بحث داشته است. درباره همگرایی در عصر پیامبر اکرم (ص) نیز در کتاب «وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی» رضا وطن دوست، به تبیینی از جایگاه همگرایی در سیره رسول اکرم (ص) می پردازد و طاهر فرجی نیز در پایان نامه خود با عنوان «شیوه برخورد رسول خدا با ناآرامی های داخلی در مدینه»، به بررسی همگرایی سیاسی ایجاد شده از طریق مقابله با عوامل تهدید کننده امنیتی همت می گمارد. حجت الله لطفی هم در پایان نامه ای با عنوان «بررسی و مطالعه اجتماعی عصر ابتدای هجرت پیامبر (ص) به مدینه تا جنگ احد بر اساس آیات نازل»، در پی تبیین همگرایی ایجاد شده بر اساس راهبرد فرهنگی در برابر مشکلات، تفرقه و فتنه انگیزی هاست.

افزون بر فقدان اثری که مدیریت تعامل محور نبوی در حوزه ی شکاف های اجتماعی را تبیین کند، بداعت این مقاله در ارائه مدلی مفهومیست که منظومه ارتباطی میان اجزاء بحث را تشریح کرده و ضمن تبیین تناظر میان کارویژه تعاملات و پیمان های پیامبر (ص) با شکاف های موجود در آن عصر، عملیاتی بودن راهبرد مدیریت تعامل محور گسست های اجتماعی را نشان دهد.

۳. ادبیات مفهومی

تعریف مفاهیم کلیدی در هر مقاله، نخستین گام اساسی در تشریح بهتر فرایند و نتایج آن مقاله است، بر این مبنا تعریف دو مفهوم همگرایی، شکاف های اجتماعی ارائه می شود.

۱-۳. هم‌گرایی

از آنجاکه انسان‌ها سلیقه‌ها، اندیشه‌ها و باورهای گوناگون دارند برای بقا و ماندگاری اجتماع و پیش‌گیری از نابسامانی و فروپاشی آن، رشته‌هایی که باعث پیوند و ارتباط افزون‌تر انسان‌ها باهم شود لازم است، زیرا با فقدان اصول مشترک، زمینه‌ها و ملاط‌های پیوند، با خطر گسست و ازهم‌پاشیدگی روبرو خواهد گشت و جامعه را با بحران‌های زیادی روبرو خواهد ساخت (احمد پور، ۱۳۸۶: ۱۶). این رشته‌های ارتباطی، زمینه‌ساز ایجاد حالتی در وضعیت تعامل گروه‌های اجتماعی می‌شود که از آن به وضعیت «هم‌گرا» تعبیر می‌گردد.

از منظر لغوی، اصحاب لغت «هم‌گرایی» را به پیوستگی و نزدیکی اعضا یا اجزای یک مجموعه به یکدیگر، اتحاد، تقارب و در برابر، «واگرایی» را به دور شدن اجزای یک مجموعه از هم دیگر، تفرق و پراکندگی تفسیر نموده‌اند (انوری، ۱۳۸۳: ۸۴۱۱). این هم‌گرایی بعضاً در میان اهالی یک تفکر واحد یا متشابه است و در برخی اوقات در میان طرفداران عقاید و مذاهب گوناگون. در قسم دوم، هم‌گرایی به معنای وانهادن معتقدات توسط گروه‌های دخیل نمی‌باشد تا از عقاید و اصول خویش چشم‌پوشی نمایند و با یکدیگر در اصول و فروع عقاید هیچ اختلاف‌نظری نداشته باشند. امام خمینی (ره) ضمن تعریف وحدت، در معنایی عام که می‌توان آن را در مورد جوامع چند فرقه‌ای تسری داد، در این باره می‌فرماید: «وحدت اسلامی به این معنا نیست که همه به‌طور اجبار از یک مذهبی پیروی کنند، بلکه به معنای اتحاد و انسجام برای تحقق آرمان‌های جهانی و عمیق اسلام و بیرون راندن دشمنان متجاوز و ضد اسلام است» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲).

۲-۳. شکاف اجتماعی

شکاف‌های اجتماعی آن دسته از تقابل‌های اجتماعی قابل اطلاق است که نه تنها موجب صف‌بندی و گسست در جامعه شود، بلکه همچنین نزدیک شدن گروه‌ها و ائتلاف بین آن‌ها را اگر نگوئیم غیرممکن، به شدت دشوار سازد (محمودی، ۱۳۸۷: ۲۲). در تعریفی دیگر، شکاف‌های اجتماعی به معیارها و مرزهایی دلالت دارند که گروه‌های مختلف اجتماعی را از یکدیگر جدا می‌سازند یا آن‌ها را رویاروی یکدیگر قرار می‌دهند (lipset and rokkan (eds), 1967).

شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه‌ی جمعیت و تکوین گروه‌بندی‌هایی می‌گردد و این گروه‌بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کنند. زندگی سیاسی در هر کشوری به شیوه‌های گوناگون تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی خاص آن کشور و نحوه صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۰۰). این شکاف‌ها درباره جوامع سنتی هم وجود دارد که به مفهوم رایج دارای شکاف‌های خاص خود می‌باشند. در این گونه جوامع معمولاً شکاف میان قبایل و خانواده‌های بزرگ در زندگی اجتماعی و سیاسی همچنان تأثیری تعیین‌کننده دارد. همچنین شکاف‌های مذهبی، فرقه‌ای و زبانی در این گونه جوامع هنوز مؤثر و مهم‌اند و نمی‌توان سیاست و حکومت در آن‌ها را بدون فهم این شکاف‌ها و تأثیر آن‌ها دریافت (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

۴. چارچوب نظری: مدلی برای فهم مدیریت پیمان‌محور نبوی در حوزه شکاف‌های اجتماعی

تبیین فرایند ارتباطی میان اقسام مدیریت شکاف‌های اجتماعی در سیره نبوی با راهبردهای اتخاذی پیمان‌محور حضرت در مدیریت این شکاف‌ها، لزوم ارائه مدل مفهومی مشتمل بر منظومه تناظر و ارتباطات میان اجزای بحث را به دست می‌دهد، بنابراین در این بخش چارچوب مفهومی بحث را ارائه داده و در ادامه به تبیین آن می‌پردازیم.

در سیره سیاسی پیامبر گرامی اسلام (ص)، تشکیل و ارتقاء جایگاه حکومت اسلامی از طریق ایجاد و مدیریت دوگانه «همگرایی درونی - واگرایی بیرونی» در کانون توجهات و اقدامات آن حضرت قرار داشت. رسول اکرم (ص) پیوسته از آغازین روزهای دعوت به دنبال تبیین و ترویج گفتمان اسلام رحمانی بود تا از این رهگذر فصل تفکرآتی میان پیروان آیین اسلام و دیگر آیین‌ها را برقرار سازد. این تلاش‌ها با فراهم شدن مقدمات هجرت به یثرب و سپس تشکیل حکومت اسلامی در مدینه وارد مرحله نوینی گشت که در آن پیامبر (ص) به دنبال ایجاد واگرایی میان مسلمانان و متحدان اسلام در مدینه با مشرکان قریشی مکه و هم‌پیمانان آنان بود. به موازات این سیاست، رسول خدا (ص) از بدو تأسیس حکومت و حتی دو سال پیش از آن ضمن پیمان‌های عقبه اولی و ثانی، ایجاد همگرایی درونی در میان اهالی یثرب که پس از هجرت، مدینه‌النبی نام گرفت را

در دستور کار قرارداد و برای تحقق این همگرایی، شکاف‌های اجتماعی درون حکومتی را شناخته و در پی اتخاذ راهبردهایی عملیاتی برای مدیریت این شکاف‌ها برآمد. مدیریت حضرت (ص) متناسب با نوع شکاف موجود، ابتناء بر زدودن شکاف و یا کمرنگ کردن آن در پهنه اجتماع داشت. شکاف‌های طبقاتی، ارباب-برده، جنسیتی، مذهبی و قبیله‌ای و نژادی، شکاف‌های مهمی بودند که حکومت اسلامی پیامبر (ص) با آن مواجه بود و چنانکه در ادامه به آن اشاره می‌شود، پیامبر اسلام (ص) به دنبال زدودن دو شکاف اول و کمرنگ سازی سه شکاف بعدی بود. در این میان، شکاف‌های قبیله‌ای و مذهبی با توجه به حضور قبایل یهودی در مدینه و شکاف‌های فعال و نیمه فعال موجود میان قبایل اوس و خزرج، اهالی مکه-مدینه و قبایل یهودی مدینه با یکدیگر، بیشتر از دیگر گسست‌ها، پتانسیل ایجاد بحران‌های اجتماعی را به همراه داشت.

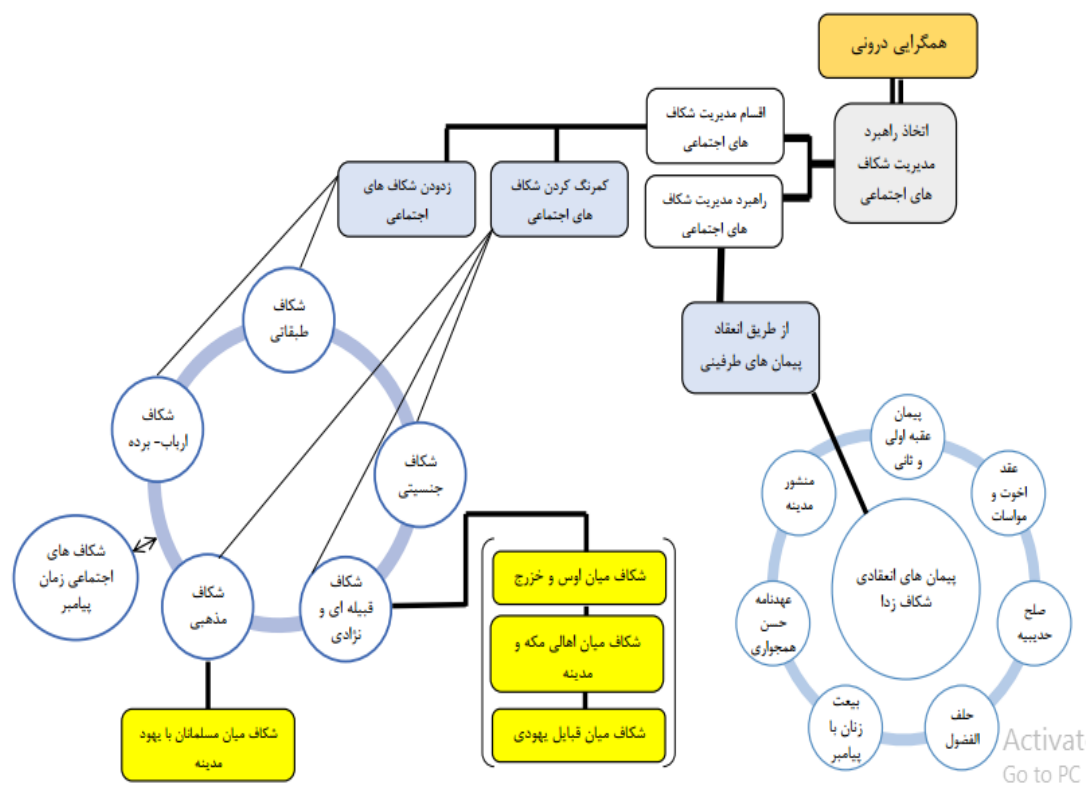
در مواجهه با تهدیدهای برآمده از زیرساخت‌های اجتماعی، تدبیر رسول اکرم (ص) در راهبرد سنجی مدیریت گسست‌ها، از طریق انعقاد پیمان‌های طرفینی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راهبردها صورت پذیرفت. ایشان برحسب نیازهای هر برهه از زمان و شرایط تاریخی، مجموعه‌ای از پیمان‌ها را میان طرف‌های دخیل داخلی برقرار ساختند که هر یک به‌نوبه‌ی خود سهم مهمی در استحکام بخشیدن به پایه‌های جامعه اسلامی داشت. حلف الفضول، پیمان عقبه اولی و ثانی، عقد اخوت و مواسات، منشور مدینه، عهدنامه حسن هم‌جواری، صلح حدیبیه و بیعت با زنان، از اساسی‌ترین پیمان‌های انعقادی با ماهیت شکاف‌زدایی محسوب می‌شوند که هر یک در ساحتی به شکاف یا شکاف‌های برآمده از بطن اجتماع پاسخ مقتضی می‌گفتند. این قراردادها از نقطه نظر تاریخی به سه مرحله تقسیم می‌شوند:

الف- دوران پیش از هجرت که مربوط به سال‌های ۱۱ تا ۱۳ بعثت است. نبی مکرم (ص) در این دوران در پی فراهم آوری بنیان‌های حکومت اسلامی و آماده‌سازی سرزمینی بود که می‌بایست پذیرای تشکیل این حکومت باشد. از این رو، حضرت رسول (ص)، یثرب را انتخاب نمود و ضمن ملاقات با برخی اهالی قبایل خزرج و اوس در ایام حج و بیعت با آنان و ارسال مبلغ به این شهر، پیمان عقبه اولی و ثانی را برقرار و دعوت خود را در مدینه گسترش داد.

ب- دوران تشکیل حکومت در مدینه تا انعقاد صلح حدیبیه که مربوط به سال‌های اول تا ششم هجرت است. در این اوان، نبی اکرم (ص) با استفاده از جایگاه معنوی و حکومتی خویش، به اصلاح معایب اجتماعی مدینه پرداخت و ضمن انعقاد عقد اخوت و مواسات، منشور مدینه و عهدنامه حسن هم‌جواری، سعی در رفع فاصله‌ی میان

مهاجر و انصار و ختنی نمودن دسیسه‌های احتمالی یهودیان مدینه نمود. راهبرد بنیادین حضرت (ص)، ارائه بدیلی فطری و کارآمد به‌جای بسیاری از سنت‌ها و رسوم منحط و غیرانسانی رایج میان اعراب بود که آن‌ها را از وادی ظلمت به‌سوی روشنایی رهنمون می‌ساخت.

ج- از صلح حدیبیه و فتح مکه تا رحلت نبی اکرم (ص)؛ که در این دوران پیامبر (ص) علاوه بر مدیریت شکاف‌های جامعه مدینه، به ساماندهی به زیرساخت‌های اجتماعی و شکاف‌های مکه‌ای پرداخت که به زیر لوای حکومت اسلامی درآمده بود. از سویی دیگر سیاست گسترش دعوت اسلام به نواحی دیگر به‌ویژه ایران و روم نیز به کار ویژه حکومت اسلامی اضافه گشت و حضرت (ص) به مدیریت دوگانه تعامل-تقابل با این حکومت‌ها که از قدرت گرفتن اسلام به هراس افتاده بودند، پرداخت.



مدل مفهومی مدیریت پیمان محور پیامبر اکرم (ص) بر شکاف‌های اجتماعی

در ادامه به تبیین و تشریح اجزاء مدل مفهومی مدیریت پیمان‌محور نبی اکرم (ص) بر شکاف‌های درونی جامعه اسلامی عصر نبوی می‌پردازیم.

۵. تحلیلی بر شکاف‌های اجتماعی دوران پیامبر اکرم (ص)

فرهنگ، سنت و آداب و رسوم غالب اقوام ساکن در شبه‌جزیره عربستان پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص)، آمیخته‌ای از فساد طلبی، خون‌ریزی، جنگ محوری و برتری‌جویی بود که در کنار خصایل نیکویی چون سخاوت، مهمان‌نوازی و وفای به عهد منظومه فرهنگ جاهلی اعراب پیش از اسلام را شکل می‌داد. قرآن کریم در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل‌عمران، دشمنی‌های موجود میان آنان را یادآور شده و همگرایی و الفتی که در پرتو آیین اسلام نصیب اعراب شده است را نعمتی برمی‌شمارد که آن‌ها را از لبه‌ی پرتگاه آتش جنگ و خونریزی و سقوط معنوی نجات داده و هدایت کرده است (نگاه کنید به: تفسیر المیزان ذیل همین آیه). این همگرایی که مرهون تلاش‌های همه‌جانبه نبی مکرم اسلام (ص) در پرتو عنایات الهی است، معلول مدیریت وحی‌محورانه حضرت (ع) بر جنبه‌های گوناگون زندگی اهالی آن سامان، ارزیابی می‌شود.

در اندیشه نبوی، به پیروی از آموزه‌های قرآنی، ایجاد همگرایی در جامعه اسلامی اصلیت بنیادین که تهیه مقدمات و لوازم آن نیز ضروری می‌نماید. یکی از این لوازم، شناخت تهدیدها و معضلاتی است که فراروی کبان جامعه اسلامی قرار دارد و می‌تواند تنش‌ها، مخاصمات و یا بحران‌های اجتماعی را ایجاد کند. شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی در زمره این تهدیدات قرار می‌گیرد که می‌بایست به‌دقت مورد کنکاش و واکاوی قرار گیرند.

در منطق نبوی، شکاف‌های اجتماعی، حسب ماهیت و فلسفه ایجاد و بر طبق نگرش صاحب‌شریعت نسبت به آن‌ها، گاه آن‌قدر برای جامعه مضر هستند که می‌بایست به‌طور کلی از جامعه ریشه‌کن شوند به‌مانند شکاف‌های طبقاتی و ارباب-برده و گاه وجود این شکاف‌ها به‌صورت حداقلی برای اجتماع لازم است چراکه یا مانند شکاف جنسیتی حقیقی در نظام خلقت دارند، یا مانند شکاف مذهبی عامل تمایز گفتمان اسلامی از غیر آن‌اند و یا به‌مانند شکاف قبیلگی باعث انتظام و سامان اجتماع می‌شوند. این شکاف‌ها در مقام تبیین به پنج دسته به‌قرار زیر تقسیم می‌شوند:

۵-۱. شکاف طبقاتی

یکی از تأثیرگذارترین شکاف‌های موجود دوران جاهلیت در شبه‌جزیره عربستان، شکاف طبقاتی میان طبقه فقرا و اغنیا و اشراف بود. این شکاف هم در یشرب و هم در مکه وجود داشت اما یشرب وضع اجتماعی خاصی داشت که با وضع مکه مغایر بود. چه بیشتر مردم این شهر از بازرگانی سررشته‌ای نداشتند و به کار کشاورزی مشغول بودند. آنان هم که به دادوستد مشغول بودند پیشه‌ور و یا کاسب‌کارهای جزء بودند که زندگی در چنین محیطی از آنان ناگزیر بود (شهیدی، ۱۳۹۰: ۵۸). این اختلاف طبقاتی زائیده منابع ثروتی بود که در اختیار طبقه اشراف و ثروتمندان قرار داشت که یکی از اصلی‌ترین منابع آن در میان اهل مکه، طائف و یهود مدینه ربا بود (عسکری، ۱۶۱۶ق: ۳۴). در موضوع ربا، غالباً وام‌گیرنده بدوی بود و در بسیاری از اوقات نیز نمی‌توانست قرض خود را ادا کند و چه بسا نزولش از اصل وامش بیشتر می‌شد (فائز، ۱۳۹۰: ۱۵۲). در این وضعیت یا بشدت فقیر می‌شد و یا گاه به بردگی شخص طلبکار درمی‌آمد. معاملات ربوی که چنین نتایجی به بار می‌آورد، آن‌چنان تأثیری بر وضعیت اقتصادی این مناطق می‌گذاشت که طبقه فقیر هر روز فقیرتر و طبقه غنی هر روز ثروتمندتر می‌شد. بدین خاطر بود که پیامبر اکرم (ص) به مقابله جدی با مسئله ربا برخاست و آن را به استناد قرآن کریم در حکم اعلان جنگ با خدا و رسول برشمرد (سوره بقره، آیه ۲۷۹) و مسلمانان را از آن نهی فرمود.

۵-۲. شکاف ارباب-برده

در مناطق تمدن خیز شبه‌جزیره عربستان، به‌ویژه جنوب آن‌که خاستگاه تمدن‌ها و حکومت‌های کهن بوده، نظام برده‌داری از سوی حاکمان اجرا می‌شده است. علاوه بر این، مجاورت عربستان با حکومت ایران و روم که از دولت‌های برده‌دار آن دوره بودند و هم‌چنین سکونت قبایل یهودی و مسیحی در عربستان که برده‌داری از اصول فرهنگی اجتماعی آن‌ها بود، در آشنایی مردم عرب با برده‌داری بی‌تأثیر نبوده است. به‌هرحال، جامعه جاهلی، جامعه‌ای برده‌دار بوده و سیستم اقتصاد برده‌داری بر آن حاکم بوده است (عرب، ۱۳۸۵).

رویکرد عرب جاهلی به بردگان، رویکرد ابزاری و کالایی بود؛ برده، کالای مصرفی و خدماتی بود که بدون هیچ محدودیتی در تمام زمینه‌ها استثمار می‌شد. برده هیچ حرمت و احترامی نداشت. بردگان همواره تحقیر و مسخره می‌شدند. کسی که برده را می‌خرید

ریسمانی به گردنش می‌انداخت و مانند چارپا او را به منزل خود می‌برد و برده، نه اراده و اختیاری داشت و نه حق اظهارنظر و بیان رأی و عقیده بدون اجازه مالک. برده کالایی بود که در بازار، خرید و فروش می‌شد و قیمت متغیری داشت. سن و سال برده یا زیبایی و هنر و توانایی و جنسیتش موجب تفاوت قیمت آن بود (علی، ۱۳۸۰: ۴۵۳). به گواه تاریخ، خرید و فروش برده و کنیز در جزیره العرب با ولع انجام می‌شد و مکه بزرگ‌ترین بازار آن بود (محمدی، ۱۳۷۶: ۱۲۱). البته ناگفته نماند که بردگان به‌اندازه فقرا از گرسنگی رنج نمی‌بردند. چون لااقل در خانه ارباب از تغذیه برخوردار بودند (فائز، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

۳-۵. شکاف جنسیتی

در میان اعراب جاهلی، زن از کمترین میزان منزلت اجتماعی برخوردار بود و بیشترین میزان اجحاف و ستم بر او روا داشته می‌شد. اعراب جاهلی همچنین هیچ ارزشی برای زن قائل نبودند و وجود زن و دختر را مایه ننگ و سرافکنندگی می‌دانستند. آنان زنان را شایسته ارث نمی‌دانستند و بر آن بودند که تنها کسانی که شمشیر می‌زنند و از قبيله دفاع می‌کنند از حق ارث برخوردارند (ابن حیب، ۱۹۹۸: ۳۲۴). آنان زنان و دختران را بدون هیچ‌گونه محدودیتی به نکاح درمی‌آوردند و یا طلاق می‌دادند و کوچک‌ترین ارزشی برای آنان قائل نبودند (ترمانینی، ۱۹۹۶: ۴۷). زنان در عصر جاهلیت تحت تصرف و تملک اولیای خویش بودند و هیچ حقی در گزینش همسر نداشتند و در صورتی که قبلاً ازدواج کرده بودند، ازدواج دوباره آنان با اراده و تصمیم اولیایشان صورت می‌گرفت (فتاحی زاده، ۱۳۸۶: ۷۰).

در آیه ۵۸ و ۵۹ سوره مبارکه نحل در وصف جایگاه زن در دوران جاهلیت می‌فرماید: «و چون یکی از آنان را به (تولد) دختر بشارت دهند (از فرط غیظ و غضب) صورتش سیاه گردد درحالی که خشم گلویش را می‌فشارد. از بدی بشارتی که به او داده شده از میان قبيله خود متواری شود (و نمی‌داند) آیا او را با سرافکنندگی نگاه دارد یا (زنده) در زیرخاکش نهان سازد. هان، بد قضاوتی می‌کنند». امام خمینی (ره) نیز وضعیت اسف‌بار زن در عصر جاهلی را به تصویر می‌کشد و در این باره می‌گوید: «در جاهلیت زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان؛ زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت، مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات، بلکه پایین‌تر از او قلمداد

می کردند، زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار بیرون کشید» (روح الله خمینی، ۱۳۷۴: ۱۸۵).

۵-۴. شکاف مذهبی

پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص)، در جزیره العرب به ویژه در یثرب، قبایل یهودی ساکن بودند که باینکه اطلاعات دینی شان ضعیف بود ولی همگی از ظهور پیامبر خاتم (ص) در این منطقه اطلاع داشتند (فائز، ۱۳۹۰: ۱۹۱) و با این تصور که پیامبری که مژده ظهورش در تورات آمده از آنان است، رحل اقامت در شبه جزیره عربستان افکنده بودند.

یهودیان جزیره العرب بیشتر کشاورز بودند و در یثرب علاوه بر کشاورزی، زرگری، آهنگری، اسلحه سازی و بافندگی نیز می کردند (ضیف، ۱۳۸۱: ۱۰۸). اکثر یهودیان ثروتمند بودند و به بازرگانی نیز اشتغال داشتند (عبدالجلیل، ۱۳۶۳: ۲۱) و در یثرب تمرکز سکونت یافته بودند. ثروت نسبی قبایل یهودی موقعیت برتری را برای آنان در یثرب به وجود آورده بود.

از منظر فرهنگی نیز گروهی عقیده دارند یهود بالاتر از اوس و خزرج بوده است (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۶)، چنان که در امور اجتماعی و دینی نیز برای خود برتری خاصی قائل بودند. آنان بارها و به عناوین مختلف داشتن کتاب و دینی بهتر از بت پرستی را مایه برتری خود می دانستند و این برتری را به رخ همسایگان عرب خود می کشیدند تا بر آن ها تفوق جویند، عاملی که سبب شد اعراب خزرج در گرایش به پیامبر اسلام به این برتری طلبی یهود استناد کنند.

البته چنین به نظر می رسد عوام یهود با اعراب از نظر فرهنگی هیچ گونه تفاوتی نداشتند، اگرچه یهود از نظر اقتصادی بر اعراب اوس و خزرج پیشی گرفته بودند و این برتری را با تجارت و صناعت و کشاورزی و بالاخره با گرفتن ربا کسب کرده بودند. اگر طوایف اصلی و عمده یهود را از نظر اقتصادی بسنجیم قبیله بنی قینقاع ضعیف تر از بنی نضیر و بنی قریظه است، حتی از حیث داشتن زمین نیز قبیله بنی قینقاع بی بهره بودند درحالی که آن دو قبیله املاک و اراضی فراوانی داشتند و آن ها را در درگیری با اعراب حفظ کرده بودند (جدید بناب، ۱۳۸۱: ۳۹).

با ظهور اسلام و هجرت پیامبر اکرم به مدینه، یهودیان که دریافته بودند که پیامبر خاتم (ص) از میان آنان نیست و با اتحاد اوس و خزرج نفوذ گذشته خود را ازدست داده اند،

سعی در کارشکنی و ایجاد چنددستگی در میان مسلمانان نمودند و با توجه به اینکه در یثرب از قبایل مسیحی خبری نبود (زرگری نژاد، ۱۳۷۸: ۵۷)، این شکاف مذهبی میان یهودیان و مسلمانان معضل آفرین بود و ظرفیت ایجاد بحران در انسجام حکومت نوپای نبوی را داشت، ازین رو لزوم اتخاذ تدبیری دقیق درباره مدیریت این شکاف را به دست می‌داد.

۵-۵. شکاف قبیله‌ای و نژادی

قبیله مجموع چند خانواده و قوم و خویشاوند است که تحت ریاست شیخ قبیله به سر می‌برند و ابتدایی‌ترین صورت اجتماعی را به وجود می‌آورند. زندگی آن روز عرب به همین منوال بود (سبحانی، ۱۳۸۲: ۵۹). در واقع جامعه عرب از مجموعه‌ای از قبایل تشکیل می‌شد که از لحاظ قدرت متفاوت بودند. نظام قبیله‌ای عرب جاهلی مختص صحرانشینان نبود؛ بلکه شهرنشینان نیز دارای همین نظام بودند (بلاشر، ۱۳۶۳: ۳۵). هر قبیله به منزله یک دولت مستقل بود که حریم خاصی داشت و از آن محافظت می‌نمود (جندی، ۱۹۶۹: ۹۴). گاهی قبایل ضعیف برای تقویت دفاعی خود، با قبایل دیگر پیمان حمایت می‌بستند تا در مواقع جنگ از یکدیگر حمایت نظامی کنند. به این پیمان‌ها «حلف» می‌گفتند. مثل حلف احابیش که بین قریش و حبشی‌های اطراف مکه بسته شد و مثل حلف بنی خزاعه با عبدالمطلب (جعفریان، ۱۳۹۶: ۹۱).

زندگانی سخت، نظام قبیله‌ای و نبود مانع دینی یا وجدانی قوی، قبایل عرب را به غارتگری و چپاول یکدیگر وامی‌داشت. آنان غارتگری را وسیله‌ای برای زندگی، تحمیل سیطره و قدرت خویش بر دیگران یا خون‌خواهی و انتقام‌گیری از دیگران قرار داده بودند. ازین رو افراد یک قبیله نسبت به هم احساس همبستگی می‌کردند و همواره در کنار یکدیگر بودند، خواه بر حق بوده و خواه ناحق. از سوی دیگر قبیله نیز مسئولیت هرگونه جرم و جنایت خود را بر عهده می‌گرفت و از آنان به‌طور کامل حمایت می‌کرد (مرتضی آملی، جلد ۱: ۲۹۰). چراکه عرب جاهلی معتقد بود فقط و فقط باید خویشاوندان و افراد قبیله را یاری کرد، خواه ظالم باشند خواه مظلوم. قرآن مجید این اندیشه جاهلی را سرزنش کرده و از آن به «حمیت جاهلی» تعبیر کرده است، زیرا بر جهل و نادانی مبتنی است (فتح: ۲۶) (همان: ۲۹۶-۲۹۵).

این حمیت جاهلی که تجلی در نظامات قبیله‌ای متصلب موجود در جزیره العرب داشت، شکاف‌های عمیق و نیمه عمیقی در فرایند ارتباطی میان این قبایل پدید آورده

بود که در اکثر اوقات مبتنی بر زبان شمشیر بود و به بروز جنگ‌های خونینی منتهی می‌شد که نمونه بارز آن جنگ‌های طولانی مدت میان قبایل اوس و خزرج در یثرب مشاهده می‌شود. افزون بر شکاف میان اوس و خزرج، میان اهالی مکه و مدینه نیز گسست‌های بنیادینی بود. چراکه اهالی مکه از تیره قحطانی بودند و اهل مدینه از تیره عدنانی و چنان رقابت آشکاری میان این دو تیره وجود داشت که این رقابت به دشمنی گراییده (مرتضی آملی، ج ۲: ۱۴۷) و در دیگر حوزه‌ها نیز تسری یافته بود.

با شکل‌گیری حکومت نبوی و حضور مهاجرانی که از مکه به مدینه آمده بودند، این شکاف قبیلگی دیرین بیشتر از پیش احساس شد و پیامبر اکرم (ص) را به چاره‌اندیشی واداشت. ریشه‌های این شکاف آن‌چنان عمیق بود که تا زمان رحلت نبی مکرم اسلام (ص) کشیده شد و در قضایای سقیفه ذیل دعوای خلافت میان مهاجر و انصار خودنمایی کرد.

سومین شکاف قبیلگی اساسی در جزیره العرب نیز شکاف میان قبایل یهودی با یکدیگر بود. این قبایل به دلیل اختلافات و رقابت‌های اقتصادی که با هم داشتند غالباً در حوزه ارتباطی دستخوش فراز و نشیب‌ها و ناملایماتی با یکدیگر بودند که گاه به خشونت و خون‌ریزی می‌انجامید.

۶. راهبردسنجی تعاملی پیامبر اکرم در حوزه مدیریت شکاف‌های اجتماعی

با تبیین و تحلیل شکاف‌های درونی موجود در جزیره العرب در عصر پیامبر اسلام (ص)، می‌توان به تشریح راهبرد تعامل محور حضرت در این عرصه پرداخت. ایشان انعقاد قرارداد و پیمان با افراد و گروه‌های اجتماعی را نسخه شفابخش بیماری گسست اجتماعی برشمردند و بدان اهتمام ویژه‌ای مبذول داشتند. بر این مبنا در این مجال به بررسی قراردادها و پیمان‌های هفت‌گانه انعقادی توسط رسول گرامی اسلام (ص) که مرتبط با رویکرد شکاف‌زدایی اجتماعی هستند، می‌پردازیم.

۱-۶. حلف الفضول

حمایت از مظلوم و مبارزه با فاصله طبقاتی میان دارا و ندار، از چنان جایگاهی در نزد پیامبر اکرم (ص) برخوردار بود که ایشان حتی از سال‌های پیش از بعثت نیز بر این مهم توجه اساسی داشتند. چنان‌که یکی از نخستین پیمان‌هایی که نبی مکرم (ص) در آن حضور یافتند، حلف الفضول بود که پس از بازگشت قریش از جنگ فجار منعقد شد.

به نقل تاریخ، آنان دست‌های خود را در آب زمزم فروبردند و بر یاری ستم‌دیده و جستجوی معاش و نهی از منکر هم‌پیمان شدند. این پیمان از شریف‌ترین پیمان‌ها بود. پیامبر اکرم در این پیمان حضور داشت و پس از رسالت، آن را ستود و تأیید فرمود (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۷۰/۱۶). از آن حضرت روایت شده که گفت: «در خانه ابن جدعان در پیمانی حاضر شدم که شادمان نیستم به‌جای آن شتران سرخ‌موی داشته باشم. اگر اکنون هم به آن دعوت شوم حتماً می‌پذیرم (الامین، ۱۴۲۰: ۱۳/۲).

۶-۲. پیمان عقبه اولی و ثانی

جنگ‌های خونین میان قبایل اوس و خزرج در یثرب، وضعیت دو قبیله را بی‌نهایت سخت کرده بود؛ چنان‌که می‌گویند: شب و روز سلاح بر زمین نمی‌گذاشتند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۵۷). این مسئله، موجبات سلب آسایش ساکنان یثرب را فراهم کرده بود. قبایل یهودی نیز برای شعله‌ورتر کردن آتش این نزاع از طرفین درگیری حمایت می‌کردند. در واقع، اهالی یثرب نتوانستند به کمک آیین دوگانه‌پرستی، مشکلات گوناگون داخلی خود را حل و دست‌کم از شدت آن بکاهند. همچنان‌که این آیین هیچ‌گونه امتیازی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی برای آن‌ها نداشت. ازین جهت روبه‌ضعف و سستی گذاشت. علاوه بر این، مخالفت با فطرت و عقل سلیم و نیز پیشگویی‌های یهودیان درباره ظهور عن‌قریب پیامبر آخرالزمان تا حدود زیادی به سستی و ضعف بت‌پرستی اوس و خزرج افزود (مرتضی‌آملی، ج ۲: ۱۲۱). بدین خاطر، در موسم حج سال ۱۲ بعثت، بنابر نقلی ۱۲ نفر از یثرب در عقبه با پیامبر دیدار کردند، دعوت پیامبر (ص) را شنیدند، ایمان آورده و با ایشان بیعت کردند و این‌گونه نخستین پیمان اسلامی بسته شد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۳۹۳). آن‌ها به پیامبر عرضه داشتند: «میان ما آتش جنگ پیوسته فروزان بوده، امید است که خداوند به سبب آیین پاک تو، آن را فرونشاند. ما اکنون به‌سوی یثرب برمی‌گردیم و آیین تو را عرضه می‌کنیم. هرگاه همگی اتفاق بر پذیرفتن آن کردند، گرامی‌تر از شما کسی برای ما نیست» (طبری، ۱۴۰۳: ۸۶). حضرت، مصعب بن عمیر را همراه آن‌ها فرستاد تا آن‌ها را تعلیم دهد. مصعب پیوسته مردم یثرب را به اسلام دعوت می‌کرد تا اینکه همه مردان و زنان انصار مسلمان شدند، مگر گروهی اندک از اوس که در این باره از یکی از رهبران خود پیروی کردند. وی تا پس از هجرت رسول اکرم مسلمان نشد (ابن هشام، ۱۴۱۵: ۷۹/۲). در سال ۱۳ بعثت نیز، ۷۳ نفر از اهالی یثرب در موسم حج به نزد پیامبر (ص) آمدند و با ایشان پیمان یاری بستند که از وی به‌مانند فرزندشان دفاع کنند (سبحانی، ۱۳۸۲: ۳۹۵). بدین‌سان پیمان‌های عقبه اولی و ثانی منعقد شد و پیامبر اکرم (ص) با ایجاد همگرایی میان اوس و خزرج که در پرتو

اسلام، ذیل عنوان انصار گرد هم جمع شده بودند، دوباره آرامش را به مدینه بازگرداند و پایگاه قدرتمندی برای ترویج دعوت اسلامی مهیا ساخت. ابوالفضل عزتی درباره کار ویژه و اهداف این دو پیمان می‌نویسد: «مقایسه بین معاهده عقبه اول و دوم به‌خوبی روشن می‌سازد که همه طرف‌های ذی‌نفع در معاهده با دقت کامل در حال تشکیل حکومت اسلامی بودند و به‌سوی این هدف به‌پیش می‌رفتند؛ پس از فراهم شدن ارکان مردم و سرزمین، زمینه جهت تشکیل حکومت اسلامی آماده شد و با هجرت پیامبر به مدینه، تکوین سازمان سیاسی و حکومت نیز تحقق یافت و برای اولین بار تشکیل دولت اسلامی به‌صورت یک واقعیت در آمد» (عزتی، ۱۳۵۸: ۲۲).

۳-۶. عقد اخوت و مواسات

با توجه به ترکیب جمعیتی مدینه که متشکل از مهاجرین و انصار بود که دارای دو فرهنگ تقریباً متفاوت بودند و از طرفی دو قبیله اوس و خزرج که گروه انصار را تشکیل می‌دادند، دارای سابقه منازعه‌های طولانی بودند و همه‌ی این‌ها اتحاد مسلمانان و در نتیجه حیات سیاسی مدینه را تهدید می‌کرد؛ لذا پیامبر اکرم به‌منظور سامان بخشیدن به این مشکل و ایجاد وحدت بیشتر میان مسلمانان و نیز به‌منظور تعیین وظایف و مسئولیت‌ها و حقوق متقابل مسلمانان نسبت به یکدیگر به انعقاد «پیمان برادری و اخوت» میان مهاجرین و انصار اقدام نمود و با این کار علاوه بر نجات مهاجرین از غربت و پریشانی، از ایجاد اختلاف و قشربندی اجتماعی در آینده که مخل وحدت سیاسی و امنیت عمومی بود نیز جلوگیری کردند (علی‌خانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۶-۲۰۷). به دیگر سخن، عقد مؤاخات میان مهاجران و انصار و نیز مهاجران با یکدیگر و انصار با همدیگر نیز در داخل مجموعه‌ی خود اقدامی به هدف سازگار کردن افراد با یکدیگر و برقراری تعاون میان آنان و پیمانی به‌منظور استوار ساختن رشته‌های محبت و دوستی میان افراد مؤمن و اساس و زیربنای روابط نوین اجتماعی در جامعه مدینه بود (ابو زهره، ۱۳۸۷: ۲۳۹-۲۴۰).

ازنقطه‌نظر مدیریت شکاف‌های قبیله‌ای که در باب آن سخن رفت، عقد اخوت و مواسات جایگاه ویژه‌ای در کمرنگ سازی این شکاف در میان اهالی مکه و مدینه داشت. چراکه پس از هجرت، مهاجران قریش یا عرب‌های عدنانی در شهر عرب‌های قحطانی (انصار) جمع شده بودند و بدین خاطر ممکن بود بین آنان گردی از نقار دیرین انگبخته شود. پیغمبر برای آن‌که این دودسته را از هر جهت با هم متحد سازد میان آنان عقد برادری و مواسات بست و هر مهاجر برادر یکی از مردم مدینه گردید. کار این مساوات به جایی کشید که هر مسلمانی برادر مسلمان خود را بر خویشتن مقدم

می‌داشت. چنان‌که نوشته‌اند روز تقسیم غنیمت‌های جنگی بنی‌نضیر، پیامبر به انصار گفت اگر مایل باشید مهاجران را در این غنیمت شریک کنید و اگر نه همه از آن شما باشد. انصار گفتند ما نه تنها غنیمت‌ها را یکجا به برادران مهاجر خود می‌بخشیم بلکه آنان را در مال‌ها و خانه‌های خود شریک می‌کنیم (شهیدی، ۱۳۹۰: ۷۱-۷۰). محمدعلی زکریایی نیز در این باره در کتاب خود می‌نویسد: «نخستین موضوعی که پیامبر برای جامعه جدید از آن بیم داشت، مسئله اختلافات شدید قبیله‌ای بود که جزء روانشناسی هر ملت قبایلی است و به همین خاطر پیامبر از آغاز، پیمان تازه‌ای به نام پیمان مؤاخات میان مهاجرین و انصار منعقد می‌سازد. این پیمان برادری به این سبب بوده است که فرد مدنی احساس کند مهاجر، فردی خارجی نیست، بلکه برادر اوست. منظور از پیمان برادری، ایجاد یک مجمع فکری و اعتقادی بوده است» (زکریایی، ۱۳۷۳: ۳۰۸). این پیمان برادری زمینه ایجاد مفهوم امت در جامعه اسلامی را برای نخستین بار پدید آورد. مفهوم امت که دعوت اسلامی طرح کرد، در واقع بدیل ابعاد منفی ساختار قومی قبیله‌ای عرب بود. امت در مدینه الرسول که روابط قدرت در درون آن ایجاد می‌شد، از تضادها و مرزبندی‌های قومی و قبیله‌ای فراتر رفت، اما ساختار قومی و قبیله‌ای را لغو نمی‌کرد، بلکه آن را به استخدام خود درمی‌آورد (فیرحی، ۱۳۷۸: ۱۳۸).

افزون بر شکاف قبیله‌ای، عقد اخوت و مواسات بر رفع شکاف‌های طبقاتی و ارباب-برده نیز تمرکز داشت. گواه این مدعا، برادر شدن حمزه بن عبدالمطلب عموی بزرگوار پیامبر (ص) با زید بن حارثه غلام رسول خدا (ص) بود که بر مبنای آن حمزه، زید را در جنگ احد وصی خود قرار داد (ابو زهره، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

۶-۴. منشور مدینه

در دیدگاه نبی مکرم اسلام (ص)، از ضرورت‌های تحقق همگرایی درونی، به حداقل رساندن مؤلفه‌های شکاف‌زایی اجتماعی است. شکاف مذهبی و قبیله‌ای دو شکاف مهمی بودند که انسجام مدیریت شریعت بنیاد نبوی را نشانه رفته بودند. بر این اساس، رسول خدا پس از مدت کوتاهی که به عقیده برخی پنج ماه می‌شود (دیار بکری، بی‌تا: ۳۵۳/۱)، عهدنامه‌ای بین خود و یهودیان مدینه^۱ نوشت که اصول روابط خارجی و داخلی دولت جدید را تبیین می‌کرد.

پیامبر با تدوین قانون اساسی مدینه که اولین قانون مدون دولتی بود، اجزای متفرقه مدینه را به یکدیگر پیوند زد و شهر مدینه را حرم و یک واحد سیاسی با حدود معین اعلام نمود؛ این قرارداد که به میثاق مدینه معروف است، مشتمل بر سه بخش است: ۱- قرارداد بین خود مسلمانان ۲- قرارداد بین مسلمانان و یهودیان اوس و خزرج ۳-

قرارداد با مشرکان موجود در مدینه (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۰۵). دکتر صبحی صالح درباره اهمیت این سند می‌نویسد: «در زمان صحابه صحیفه‌ای گران‌قدر متداول گردید که خود پیامبر در سال اول هجرت به نوشتن آن فرمان دادند، این صحیفه شبیه‌ترین چیز به قانون اساسی دولتی بود که در آن زمان در مدینه پدید آمد و این صحیفه‌ای بود که در آن رسول خدا حقوق مهاجران و انصار و یهود و عرب مدینه را تدوین کرده بود» (صالح، ۱۳۷۹: ۱۹).

این منشور، مهاجران قریش، انصار و پیروان، پیوستگان و جهاد کنندگان همراه آنان را یک امت یگانه و مشخص محسوب کرد. البته مراد از این بیان نادیده انگاشتن مرزهای اسلام و یهودیت نمی‌باشد، بلکه مقصود کمرنگ سازی شکاف مذهبی میان اسلام و یهودیت تا سطحی است که موجبات انسجام اجتماعی جامعه مدینه در برابر دشمنان بیرونی آن فراهم آید. ناگفته نماند که ایجاد همگرایی هیچ‌گاه در منطق نبوی به معنای دست برداشتن از اصول بنیادین اسلامی نبوده و تبیین فصل عقیدتی میان این دو تفکر همواره در سیره عملی نبی مکرم اسلام (ص) وجود داشته و در برخی مفاد این منشور نیز هویداست.

بر این اساس و منطبق بر منشور مدینه، بندهای مرتبط با مدیریت شکاف‌های مذهبی و طبقاتی بر مبنای دسته‌بندی موضوعی در جدول زیر ارائه می‌گردد:

بند	موضوع	متن منشور
۱۲- الف	مبارزه با اختلاف طبقاتی از طریق امداد رسانی اجتماعی	مقرر است که مؤمنان هیچ فردی را که در اثر فشار قرض از پا در آمده باشد بدون کمک به حال خودش وانگذارند.
۱۲- ب	مدیریت شکاف میان مهاجر و انصار	مقرر است که هیچ مؤمنی با هم‌پیمان مومن دیگری علیه او به مخالفت برنخیزد.
۱۳	مدیریت شکاف قبیله‌ای از طریق مقدم داشتن قانون بر روابط خانوادگی	مقرر است که مؤمنان پرهیزکار باید در برابر آن فردی که از میان آنان یاغی می‌شود... همه با یکدیگر همکاری کنند و او را مغلوب سازند؛ گو این‌که متجاوز فرزند یکی از مؤمنان باشد.
۱۵	مدیریت شکاف قبیله‌ای از طریق برابر دانستن مؤمنان	مسلم است حمایت مؤمنان از نازل‌ترین فرد مسلمان، در موردی که به نام اسلام تعهدی کرده باشد و همه مؤمنان در برابر همه مردم جهان با یکدیگر برابرند
۱۶	مدیریت شکاف مذهبی از طریق حمایت از جامعه یهود که یاور مسلمین‌اند.	افرادی از جامعه یهود که به ما کمک کنند، حمایت و کمک ما را جلب خواهند کرد و با ما برابر خواهند بود و هیچ‌کس نخواهد توانست بر آن‌ها تحمیلی روا دارد و بدیهی است به مخالفان آن‌ها نیز کمکی نخواهد شد.
۱۷	مدیریت شکاف میان مهاجر و	مسلم است که صلح مؤمنان یکی بیش نخواهد بود و اگر

بند	موضوع	متن منشور
	انصار	احیاناً در راه خدا جنگی پیشامد کرد، هیچ مؤمنی حق ندارد بدون موافقت مؤمنان با طرف مخاصمه صلح کند...
۱۹	مدیریت شکاف میان مهاجر و انصار	از آنجایی که مؤمنان همه در حکم یک هیئت‌اند، در خون‌هایی که از آن‌ها در راه خدا ریخته می‌شود اولیاء یکدیگرند.
۲۰- الف	مدیریت شکاف مذهبی از طریق اعلام ضمنی برتری تفکر اسلام بر یهود	بدون تردید مؤمنان پرهیزکار پیرو هدایت و تابع بهترین طریق ارشادند.
۲۳	مدیریت شکاف میان مهاجر و انصار از طریق اعلان خدا و پیامبر به‌عنوان مرجع اختلافات مؤمنان	بر شما مؤمنان واجب است در هر موردی که با یکدیگر اختلاف پیدا کردید، مرجع امر خدا و پیغمبرش باشند.
۲۵	مدیریت شکاف مذهبی از طریق احترام مشروط به آیین یهود	یهود بنی عوف با مؤمنان در حکم یک امت شناخته می‌شوند؛ با این تفاوت که یهود مطابق دستور دین خود عمل می‌کند و مسلمانان مطابق اوامر دین خود.
۳۴ تا ۲۶	مدیریت شکاف میان قبایل یهودی از طریق برابر دانستن حقوق دیگر قبایل یهودی با یهود بنی عوف	یهود بنی نجار، بنی حارث، بنی ساعده، بنی جشم، بنی اوس، بنی ثعلبه، حقوقشان مانند حقوق یهود بنی عوف خواهد بود.
۳۵	مدیریت شکاف میان قبایل یهودی از طریق برابر دانستن حقوق شعبه‌های فرعی یهود با شعبه‌های اصلی آن	مسلم است که شعبه‌های فرعی یهود دارای حقوق اعضای اصلی‌شان خواهند بود.
۳۷- ب	مبارزه با اختلاف طبقاتی از طریق امدادسانی اجتماعی	هیچ فردی نباید نسبت به هم‌پیمانانش بدرقتاری کند و همه باید به مظلوم کمک کنند.
۴۲	مدیریت شکاف مذهبی از طریق اعلان خدا و رسول به‌عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات در مسائل مشترک	هرگاه بین کسانی که تابع این دستور هستند، کشتاری روی دهد یا مشاجره‌ای درگیرد که بیم فساد در آن باشد، مرجع امر رسیدگی خدا و محمد (ص) خواهند بود و خدا ضامن پرهیزکارترین و نیکوکارترین پیروان این سند است
۴۵- الف	مدیریت شکاف مذهبی از طریق احترام به صلح انعقادی توسط یهود	اگر یهودی‌ها به صلحی دعوت شوند که در آن همکاری کنند و آن صلح را عملی سازند، می‌توانند به این کار اقدام کنند، در آن صورت مؤمنان نیز باید آن صلح را بپذیرند مگر اینکه صلح با کسانی باشد که در راه دین می‌جنگند.

جدول شماره (۱): تقسیم‌بندی موضوعی مفاد مرتبط با مدیریت شکاف‌های درونی در منشور مدینه

۵-۶. عهدنامه حسن هم‌جواری

افزون بر منشور مدینه، نبی مکرم اسلام (ص)، برای هر یک از قبایل سه‌گانه بنی نضیر، بنی قین قاع و بنی قریظه که در منشور مدینه حضور نداشتند عهدنامه‌ای جداگانه نوشت (طبرسی، ۱۴۱۷: ۶۹) تا فرایند مدیریت شکاف مذهبی میان مسلمانان با یهودیان را ازین طریق کامل نماید. به نقل تاریخ، یهودیان این سه قبیله، به حضور رسول خدا رسیدند و خواستار مداخله شدند. پیامبر پذیرفت و عهدنامه‌ای برای آنان نوشت و شرایطی برای ایشان مقرر داشت. از جمله: «احدی را با دست و زبان و با اسب و اسلحه و در خفا و آشکار و در شب و روز، بر ضد پیامبر و احدی از اصحاب حضرت یاری ندهند. اگر آنان به این شرایط وفادار ماندند، رسول خدا خون آن‌ها را نخواهد ریخت، زنان و فرزندان‌شان را اسیر نخواهد کرد و اموال‌شان را نخواهد گرفت (مرتضی آملی، ج ۲: ۲۹۶).

۶-۶. بیعت پیامبر (ص) با زنان

در اندیشه و سیره پیامبر رحمت، تکریم مقام زن و بازگرداندن او به جایگاه اصلی که صاحب شریعت برای او در نظر گرفته، از اهمیت بسزایی برخوردار بود. ایشان ضمن در نظر گرفتن تفاوت‌های زن و مرد و عدم تشابه آن‌ها در خلقت، در بهره‌مندی از حقوق فردی و اجتماعی، آنان را مساوی برمی‌شمرد و در پی تغییر سنت‌های رایج در حوزه جایگاه زن بود. این اهتمام در سیره عملی آن بزرگوار نیز مرتبت ویژه‌ای داشت. یکی از مهم‌ترین مصادیق این بزرگداشت، سهم کردن آنان در امر بیعت با رهبری جامعه اسلامی بود. به اذعان تاریخ، رسول اکرم (ص) در چند واقعه مهم تاریخی در کنار مردان، از زنان نیز بیعت گرفت و آنان را در امر حکومت مشارکت داد:

۶-۶-۱. بیعت زنان با پیامبر (ص) در پیمان عقبه

در میان افرادی که در پیمان عقبه با پیامبر (ص) بیعت کردند، سه زن حضور داشتند که حضرت با رعایت احکام شرعی با آنان بیعت نمودند (سبحانی، ۱۳۸۲: ۸۲۲).

۶-۶-۲. بیعت زنان با پیامبر (ص) در بیعت رضوان

در روز بیعت رضوان پیش از صلح حدیبیه رسول خدا به شیوه‌های مناسب حال زنان و با رعایت احکام شرعی از آنان بیعت گرفت. شیخ مفید می‌گوید: «امیرالمؤمنین از زنان

برای پیامبر بیعت می‌گرفت. بیعت زنان در آن روز چنین بود: علی (ع) جامه‌ای بین خود و زنان پهن کرد. سپس دست خود را روی آن گذاشت. بدین ترتیب، بیعت زنان با پیامبر با دست کشیدن به جامه بود و رسول خدا جامه علی بن ابیطالب را از مست وی، دست می‌کشید» (مفید، ۱۴۲۶: ۱/۱۱۹).

۶-۳. بیعت زنان مکه با پیامبر اکرم (ص): حضرت رسول (ص)

پس از فتح مکه، به پیروی از دستور مصحف شریف، با زنان مکه بیعت کرد تا علاوه بر به رسمیت شناختن جایگاه آنان در حکومت اسلامی و تکریم مقام زن، از بعضی معضلات و مشکلات اجتماعی که می‌توانست از سوی برخی زنان مکه ایجاد شود جلوگیری نماید. خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره ممتحنه درباره این موضوع می‌فرماید: «ای پیغمبر! چون زنان مؤمن آیند که با تو بر ایمان بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کسی افتراء و بهتان میان دست و پای خود نیندند (یعنی فرزندی که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه دارند به دروغ به کسی نیندند) و با تو در هیچ امری معروفی (که به آن‌ها کنی) مخالفت نکنند بدین شرایط با آن‌ها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب کن که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است».

۶-۷. صلح حدیبیه

راه و رسم پیامبر اکرم (ص) در ایفای وظیفه خطیر رسالت چنین بود که تا حد امکان موانع فراروی گسترش دعوت اسلام را برطرف نماید و ندای فطرت جوی اسلام را به گوش همه جهانیان برساند. در این راستا هجوم پیوسته و تحریکات داخلی و خارجی آنان که در جنگ‌های احد و احزاب به اوج خود رسیده بود، مجال گسترش تبلیغ آیین اسلام به نقاط خارج از جزیره العرب را فراهم نمی‌کرد.

صلح حدیبیه که میان پیامبر اسلام و مشرکان قریش مکه در سال ششم هجری منعقد شد، فرصت طلایی را ایجاد کرد تا مسلمانان با خاطری آسوده از کارشکنی‌ها و تحرکات قریش، بتوانند به تبلیغ اسلام در نقاط دیگر از جمله ایران و روم بپردازند. ثمره این پیمان صلح ارزشمند پس از دو سال هویدا شد، زیرا در صلح حدیبیه ۱۴۰۰ نفر در رکاب پیامبر بودند، ولی پس از دو سال که پیامبر به‌طور رسمی برای فتح مکه حرکت

کرد، ده هزار نفر زیر پرچم اسلام همراه پیامبر حرکت کردند و این تفاوت بارز، نتیجه مستقیم پیمان حدیبیه بود. دومین نتیجه‌ای که مسلمانان از این پیمان بردند این بود که پرده آهنینی که مشرکان میان مردم و آیین اسلام پدید آورده بودند، از میان رفت. در نتیجه رفت و آمد به مدینه آزاد شد و آنان در مسافرت‌های خود به مدینه، با مسلمانان تماس بیشتری گرفته و از برنامه‌های سودمند و تعالی عالی اسلام آگاه شدند. همچنین اخلاق عظیم پیامبر و نرمش و تحمل وی در برابر سخت‌گیری‌های طرف مقابل و تلاش صادقانه او برای حفظ صلح، همه تبلیغات سوئی که درباره روحیات پیامبر شده بود را خنثی کرد و مراتب عواطف و محبت پیامبر به جهان عرب را نشان داد (سبحانی، ۱۳۸۲: ۶۸۶-۶۸۵). بدین سان، شکاف قبیله‌ای که میان مکه و مدینه وجود داشت، رو به ضعف نهاد و قلوب ساکنان مکه نسبت به پیامبر (ص) و حاملان دعوت اسلام که اهالی مدینه بودند، به نرمی گرایید و زمینه پیوستن مکه به جامعه اسلامی فراهم شد تا آنجا که در جریان فتح مکه، این شهر بدون جنگ و خون‌ریزی به تصرف لشکر اسلام درآمد. پیامبر اکرم (ص) در روز فتح مکه که به برکت صلح حدیبیه به دست آمده بود، خطبه‌ای ایراد نمود و در آن وجود برتری‌های قبیله‌ای را تخطئه فرمود. پیامبر می‌دانست که این ملت، عرب بودن و انتساب به این نژاد را یکی از مفاخر بزرگ خود می‌دانند و نخوت عربیت بسان یک بیماری فراگیر، در عروق و اعماق دل‌های آنان گرفته است. او برای معالجه این درد و برانداختن این کاخ موهوم فضیلت رو به مردم کرد و گفت: «مردم! عرب بودن جزء ذات شما نیست، بلکه آن تنها زبانی گویا است و هر کس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند، افتخارهای پدری او را به جایی نمی‌رساند و کمبود کار او را جبران نمی‌کند» (سبحانی، ۱۳۸۲: ۸۱۹)

۷. نتیجه‌گیری

مروری بر نقش شکاف‌های اجتماعی در بحران‌ها و واگرایی‌های ایجاد شده در جوامع گوناگون در طول تاریخ حیات اجتماعی بشر نشان می‌دهد که اجتماعاتی از وحدت، انسجام و همگرایی مطلوبی برخوردار بودند که دست‌اندرکاران آن‌ها نسبت به واکاوی شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی آن اجتماعات اهتمام خاصی داشته و نسبت به مدیریت آن‌ها تدبیری درخور اتخاذ کرده باشند. یکی از بهترین نمونه‌های چنین جامعه‌ای، حکومت اسلامی تشکیل شده توسط نبی مکرم اسلام (ص) در شبه جزیره عربستان بود. این جامعه میراث دار مجموعه‌ای از فرهنگ‌ها و آداب و رسوم غالباً غیرانسانی و متصلب بود که در ژرفای وجودی اهالی آن سامان ریشه دوانیده و

ارتباطات آنان را مبتنی بر زبان جنگ و خونریزی قرار داده بود. چنین جامعه‌ی عاری از تمدنی در پرتو رهبری رسول گرامی اسلام (ص) پس از گذران یک دهه به پشتوانه کادر سازی و تعالیم دوران سیزده‌ساله مکه، توانست به سطح بالایی از فرهنگ و تمدن دست یابد و آن جامعه‌ی فساد طلب و خونریز پیش از بعثت به جامعه‌ای منطبق محور بدل شود که منظومه تعاملاتش را آیاتی نظیر (فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ) (سوره زمر آیه ۱۷) تشکیل بدهد. تحول و هم‌گرایی جامعه اسلامی عصر پیامبر (ص) مرهون مدیریت دقیق حضرت بر شئون مختلف جامعه به‌ویژه شکاف‌ها و گسست‌های اجتماعی بود و چنانکه ذکر شد، راهبرد اساسی ایشان در مدیریت این شکاف‌ها، بر محور انعقاد قراردادهای اجتماعی میان افراد و گروه‌های دخیل قرار داشت.

آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار گرفت، توضیح این پرسش بود که جایگاه پیمان محوری در مدیریت شکاف‌های درونی جامعه نبوی چیست و این نوع مدیریت چه تأثیری بر ایجاد هم‌گرایی اجتماعی در جامعه اسلامی هم‌عصر پیامبر (ص) داشته است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، به واکاوی شکاف‌های اجتماعی عصر نبوی و پیمان‌هایی که حضرت در جهت مدیریت این شکاف‌ها برقرار ساختند، پرداخته شد. پیمان‌هایی که می‌توان آن‌ها را به‌مثابه نقاط عطفی در حیات جامعه اسلامی تلقی کرد. چه پیمان‌های عقبه که به تشکیل حکومت اسلامی منجر شد. چه عقد اخوت، منشور مدینه و عهدنامه حسن هم‌جواری که پایه‌های حکومت نبوی را استحکام بخشید و چه صلح حدیبیه که فتح مکه را به ارمغان آورد. در جدول شماره (۲)، این پیمان‌ها و نوع شکاف‌های اجتماعی که در این پیمان‌ها به‌صورت بنیادین و متمرکز بدان‌ها پرداخته شده، آورده شده است.

شکاف	شکاف مذهبی	شکاف قبیله‌ای	شکاف جنسیتی	شکاف ارباب-برده	شکاف طبقاتی
					حلف الفضول
					پیمان‌های عقبه
					عقد اخوت
					منشور مدینه
					عهدنامه حسن هم‌جواری
					بیعت زنان
					صلح حدیبیه

جدول شماره (۲): پیمان‌های انعقادی پیامبر (ص) و نوع شکاف‌هایی که به‌طور اساسی به آن‌ها پرداخته شده است

با تاسی بر آیه شریفه (لقد کان لکم فی رسول اللہ اسوۃ حسنۃ لمن کان یرجوا اللہ و الیوم الآخر و ذکر اللہ کثیرا) (سوره احزاب آیه ۲۱) و بررسی تأثیر پیمان‌های فوق‌الذکر در تقویت همگرایی درونی جامعه نبوی و اثرات چشم‌گیری که این پیمان‌ها در شکل‌گیری، تثبیت و ارتقاء حکومت مدینه برجای گذارده‌اند، این نکته هویدا می‌گردد که بهره‌گیری از راهبرد تعامل سازنده که ابتناء بر پیمان محوری دارد تا چه اندازه می‌تواند در معضلات اجتماعی به‌ویژه در حوزه تعامل با اقوام و مذاهب ساکن در جامعه اسلامی نقش مؤثری ایفا کند، معضلات و تنش‌ها را مدیریت نماید، روح تعامل محور عرصه سیاست خارجی دولت اسلامی را شکل دهد و در نهایت به گسترش حوزه نفوذ و تأمین منافع ملی آن دولت منتهی شود. الگویی که نبی مکرم اسلام (ص) با موفقیت آن را پیاده‌سازی نمودند و اکنون فراروی جوامع اسلامی قرار دارد.

پی‌نوشت

۱. مقصود از یهودیان مدینه، یهودیان دو قبیله اوس و خزرج است (سبحانی، ۱۳۸۲: ۴۴۹)

منابع

- قرآن کریم.
نهج‌البلاغه.
ابن حبیب، ابی جعفر (۱۹۹۸ م)، المحبّر، الطبعة الاولى، بیروت: دارالافتاء الجدیدة.
ابن هشام (۱۴۱۵ ق)، سیره النبویه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
ابو زهره، محمد (۱۳۸۷)، گزیده خاتم پیامبران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی‌تا)، الاغانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
احمد پور، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، امام علی (ع) و هم‌گرایی در عصر خلافت، قم: موسسه بوستان کتاب.
اشراق، محمد کریم (۱۳۶۰)، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۴)، صحیفه نور، چاپ دوم، ج ۱۹، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
الامین، محسن (۱۴۲۰ ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
بشیری، حسین (۱۳۷۸)، جامعه‌شناسی سیاسی؛ نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی.

هم‌گرایی درونی در پرتو مدیریت پیمان‌محور شکاف‌های ... ۹۵

- بلاشر، رژی (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذر نوش، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- الترمانینی، عبد‌الاسلام (۱۹۹۶ م)، الزواج عند العرب فی الجاهلیه و السلام، الطبعة الاولى، ج ۱۷، دمشق: مکتبه الاسد.
- جدید بناب، علی (۱۳۸۱)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۹)، تاریخ سیاسی اسلام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- جندی، علی (۱۹۶۹ م)، تاریخ الادب الجاهلی، ج ۱، مصر: مکتبه الانجلو المصریه.
- دیار بکری، حسین بن محمد بن حسن (بی‌تا)، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، مصر.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۸)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۳)، فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: الهام.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۲)، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۹۰)، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و مرکز نشر دانشگاهی.
- صالح، صبحی (۱۳۷۹)، علوم الحدیث و مصطلحه، دمشق: دانشگاه دمشق.
- ضیف، شوقی (۱۳۸۱)، تاریخ ادب عربی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر.
- طباطبایی، علامه سید محمدحسین (۱۳۶۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، بیروت: دارالمعرفه.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ ق)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عبدالجلیل، ج. م. (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات عرب، ترجمه آذرتاش آذر نوش، تهران: امیرکبیر.
- عرب، عبدالرضا (۱۳۸۵)، بردگان از جاهلیت تا اسلام «تحلیل و بررسی تاریخی»، فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال سوم، شماره چهارم.
- عزتی، ابوالفضل (۱۳۵۸)، فلسفه سیاسی اسلام، تهران: پیام آزادی.
- عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۶ ق)، القرآن الکریم و روایات المدرستین، تهران: توحید.
- علی، جواد (۱۳۸۰)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، قم: شریف الرضی.
- علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶)، سیاست نبوی؛ مبانی، اصول، راهبردها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۴)، وطن و سرزمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فائز، قاسم (۱۳۹۰)، سیمای عرب جاهلی از منظر قرآن و روایات، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فتاحی زاده، فتحیه (۱۳۸۶)، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، بوستان کتاب.

فرجی سلطان آباد، طاهر (۱۳۷۳)، شیوه برخورد رسول خدا (ص) با نا آرامی های داخلی در مدینه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).

فیرحی، داود (۱۳۷۸)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نی.

لطفی، حجت الله (۱۳۸۸)، بررسی و مطالعه اجتماعی عصر ابتدای هجرت پیامبر (ص) به مدینه تا جنگ احد بر اساس آیات نازل، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی، دانشگاه علوم و معارف قرآنی قم.

محمدی، محمد (۱۳۷۶)، درس اللغه و الادب، تهران: دانشگاه تهران.

محمودی، اسماعیل (۱۳۸۷)، صورت بندی شکاف های اجتماعی در ایران عصر پهلوی، تهران: انتشارات امام صادق (ع).

مرتضی آملی، سید جعفر (۱۳۹۱)، سیره صحیح پیامبر اعظم ترجمه کتاب صحیح من سیره نبی الاعظم، مترجم محمد سپهری، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۲۶ ق)، الارشاد، قم: مجبین.

وطن دوست، رضا (۱۳۸۸)، وحدت و همگرایی در اندیشه اسلامی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

lipset and rokkan (eds), party systems and volter allignment , new york, free press,1967.